

بازخوانی سبب نزول آیات اول سوره تحریم با تکیه بر بافت و قرائن تاریخی

عاطفه سلیمانی دودجی^۱، مهدی احمدی^۲

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱/۲۱ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۲/۲۱)

چکیده

تعدادی از شأن نزول‌های وارد شده پیرامون سوره تحریم دارای اشکالاتی از ناحیه می‌باشند و برخی که از نظر سندی مورد تأیید هستند، نمی‌توانند مفهوم اصلی سوره و منظور از آن رازی که رسول خدا (ص) با همسرش در میان گذاشت، مشخص کنند. در این مقاله ابتدا شأن نزول آیات بررسی شده و ضعیف و غیرقابل استناد بودن آن‌ها اثبات شده است. مقایسه سیاق سوره تحریم و آیات سوره احزاب پیرامون جنگ خندق و همسران پیامبر (ص) نزدیک بودن سیاق آن‌ها را نشان می‌دهد. سوره تحریم، می‌تواند در ادامه سوره احزاب نازل شده و دارای یک سبب نزول واحد باشند. طبق سیاق سوره تحریم اقتضا می‌کند که پیامبر (ص) آن راز را ابتدا به خانواده خود در میان گذارد، اما حسادت برخی همسران ایشان برانگیخته شده و سپس کل جامعه اسلامی را تحت تأثیر قرار داد. بررسی تاریخی سال نزول سوره احزاب حاکی از آن است که ازدواج پیامبر (ص) با زینب بنت جحش، دارای این شرایط است. این حادثه با سیاق سوره تحریم، موازین عقلی و تاریخی قطعی کاملاً مطابقت دارد.

کلیدواژه‌ها: سبب نزول سوره تحریم، سیاق آیات سوره تحریم، سیاق سوره احزاب، جنگ خندق، زینب بنت جحش

۱. کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (نویسنده مسئول)؛

a.s.d.shiraz1374@gmail.com

mahmadi@shirazu.ac.ir

۲. استادیار دانشگاه شیراز، شیراز، ایران؛

مقدمه

یکی از راه‌هایی که می‌توانیم تفسیر و برداشت درستی از آیات قرآن کریم داشته باشیم، بررسی سبب نزول سوره و آیه است. یعنی این آیات در پی چه وقایعی نازل شده است. یکی از سوره‌هایی که سبب نزول آن بحث‌برانگیز بوده و مورد اتفاق دانشمندان نبوده است، سوره تحریم است. در این سوره خداوند سخن از سرّی می‌گوید که رسول‌خدا(ص) به یکی از همسران خود درمیان می‌گذارد. او به همسر دیگری از آن حضرت می‌گوید و همین مقدمه‌ای برای توطئه علیه آن حضرت می‌شود. ابتدا آن دو زن و برخی دیگر از همسران پیامبر(ص) و سپس برخی از افراد جامعه اسلامی را درگیر آن می‌کند. پیامبر(ص) ابتدا آن دو زن را در صورت دست برداشتن از توطئه تهدید به طلاق می‌کند. آن دو زن برای پیامبر(ص) شرط می‌گذارند در صورتی از اقدامات خود دست برد خواهند داشت که قسم بخورند آن‌ها را طلاق ندهد. خداوند در این سوره راه شکستن قسم را به پیامبر(ص) بیان می‌کند. آن دو زن را تهدید می‌کند که اگر از اقدامات خود علیه آن حضرت دست برندارند، خداوند آن حضرت را بالشکری از ملائکه و جبرئیل و صالح‌المؤمنین یاری خواهدکرد. سپس جامعه اسلامی را به توبه حقیقی دعوت می‌نماید. پیرامون این که آن راز چه بوده سبب نزول‌های زیادی در کتاب‌های حدیثی و روایی آمده است که به چهار دسته کلی تقسیم می‌شود. ۱- تحریم عسل ۲- تحریم ماریه ۳- خلافت عمر و ابوبکر ۴- داستان عدم قبول درخواست یک زن که خود را برای پیامبر(ص) هبه می‌کند. با بررسی سندی و مطابقت این احادیث با قرآن و سنت قطعی و عقل، به قابل استناد نبودن این روایات پی می‌بریم. بعد از آن با بررسی قرآن به قرآن سیاق آیات سوره تحریم خطوط کلی سبب نزول آن روشن خواهدشد. با مقایسه سیاق آیات سوره احزاب و سوره تحریم، حدس براین است که این دو سوره نزدیک به هم نازل شده‌اند. با بررسی وقایع مهم سال نزول سوره احزاب می‌توانیم به واقعه‌ای برسیم که بتواند با توجه به سیاق سوره تحریم، به سؤال‌های

زیر پاسخ‌گو باشد. و در نتیجه آن را به عنوان سبب نزول سوره تحریم بپذیریم. سؤالاتی قابل طرح است از جمله:

- ۱- آیا آن سرقبلا برای پیامبر(ص) به عنوان راز بوده و در آن زمان افشای آن بلامانع است؟ آیا این شیوه عقلا نیست که چیزی که راز است را افشا نکنند؟
- ۲- آیا آن راز اقتضا می‌کند که رسول‌خدا(ص) ابتدا با همسرانش در میان گذارد؟
- ۳- آیا بقیه همسران آن حضرت و جامعه اسلامی را تحت الشعاع قرار می‌دهد؟
- ۴- آیا این واقعه می‌تواند حسادت زنانه را برانگیزد؟

۱- روایات سبب نزول سوره تحریم

در منابع تفسیری و روایی سبب نزول سوره تحریم را به صورت گوناگون بیان می‌کنند. ما روایات سبب نزول سوره تحریم را به چهار دسته کلی تقسیم و به صورت جداگانه آن‌ها را بیان کرده و به نقد آن‌ها می‌پردازیم.

۱-۱. روایت عسل خوردن پیامبر(ص)

بخاری در صحیح خود پیرامون سبب نزول سوره تحریم چنین آورده‌است: «إبراهیم بن موسی أخبرنا هشام بن یوسف عن ابن جریح عن عطاء عن عبید بن عمیر عن عائشة رضی الله عنها قالت کان رسول الله صلی الله علیه و سلم یشرب عسلا عن زینب ابنة جحش ویمکث عندها فواطأت انا و حفصة عن أیتنا دخل علیها فلتقل له أکلت مغافیر انی أجد منک ریح مغافیر قال لا ولکنی کنت اشرب عسلا عند زینب ابنة جحش فلن أعود له و قد حلفت لا تخبری بذلک أحدا».

بنابراین نقل، عایشه می‌گوید: رسول‌خدا(ص) نزد زینب بنت جحش شربت عسل می‌نوشتید و توقف وی نزد او زیاد شده بود. من و حفصه با هم هماهنگ کردیم که هرگاه پیامبر از خانه زینب نزد یکی از ما آمد، به او بگوییم: دهانت بوی مغافیر که گیاهی بدبوست

می‌دهد تا دیگر برای خوردن عسل نزد زینب نرود. پیامبر(ص) با شنیدن این سخن، سوگند خورد که دیگر نزد زینب نرود و از عایشه خواست این مطلب را برای کسی بازگو نکند (بخاری، ۴۴/۷؛ سیوطی، درالمنثور، ۲۳۹/۶). این ماجرا در منابع دیگر با اندکی تفاوت در اشخاص، چنین نقل شده است:

الف: خوردن عسل در خانه‌ی سوده در غیر نوبتش و توطئه چینی عایشه و حفصه علیه او .
 ب: خوردن عسل در خانه حفصه و توطئه چینی عایشه، سوده و صفیه علیه حفصه.
 ج: خوردن عسل در خانه ام‌سلمه و توطئه چینی عایشه علیه ام‌سلمه (سیوطی، درالمنثور، ۲۳۹/۶)

۲-۱. روایت ماریه

دومین سبب نزول برای سوره تحریم چنین آمده است:

«روزی حفصه به خانه پدرش عمر رفت. رسول خدا(ص) وقتی خانه را از حفصه خالی دید، فرستاد کنیزش بیاید و با کنیزش در خانه حفصه بود. اتفاقاً آن روز، روزی بود که باید رسول خدا(ص) به خانه عایشه می‌رفت. عایشه آن جناب را با کنیزش در خانه حفصه یافت. منتظر شد تا بیرون بیاید و سخت دچار غیرت شده بود. رسول خدا(ص) کنیزش را بیرون کرد و حفصه وارد خانه شد و گفت: من فهمیدم که چه کسی با تو بود، به خدا سوگند تو با من بدی می‌کنی. رسول خدا(ص) فرمود: به خدا سوگند راضیات می‌کنم و من نزد تو سری را می‌سپارم ولی آن را حفظ کن. پرسید: آن سر چیست؟ فرمود: آن، این است که بخاطر رضایت تو، این کنیزم بر من حرام باشد و تو شاهد آن باش، حفصه چون این را شنید، نزد عایشه رفت و سر رسول خدا(ص) را نزد او فاش ساخت و مزده اش داد که رسول خدا(ص) کنیزش را بر خود حرام کرد. همین که حفصه این عمل خلاف را انجام داد، خدای تعالی پیامبر(ص) را بر آن واقف ساخت و در آخر فرمود: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ». (سیوطی، درالمنثور، ۲۴۱/۶)

دارقطنی این روایت را این‌چنین بیان می‌کند: «حدثنا حسین بن إسماعیل، حدثنا عبدالله بن شبيب، حدثنی إسحاق بن محمد، حدثنا عبدالله بن عمر، حدثنی أبو النصر مولى عمر بن عبیدالله، عن علی بن الحسین، عن ابن عباس، عن عمر قال: دخل رسول الله صلى الله عليه و سلم بأُم ولده مارية فی بیت حفصة، فوجدته حفصة معها فقالت له: تدخلها بیتي، ما صنعت بی هذا من بین نسائك إلا من هوانی عليك، فقال: لا تذكری هذا لعائشة، فهي علی حرام إن قربتها، قالت حفصة: وكيف تحرم عليك و هي جاریتك، فحلف لها لا یقربها، فقال النبی صلى الله عليه و سلم: لا تذكریه لأحد فذكرته لعائشة، فألی لا یدخل علی نساءه شهرا، فاعتزلهن تسعا و عشرين ليلة، فأنزل الله ﴿لَمْ تُحَرِّمْ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ﴾ و الحديث بطوله طویل.» (دارقطنی، ۷۵/۵)

طبق نظر برخی مفسران این قضیه برای خود عایشه پیش آمده بود. پیامبر (ص) بخاطر او ماریه را برخود حرام کرد. خداوند این آیه را نازل کرد که چرا برای رضایت زنان خود، ماریه را که کنیز حلال توست بر خود حرام کرده‌ای. (واحدی، ۴۶۰)

در تفسیر قمی آمده است که ابن سیار از امام صادق (ع) نقل می‌کند که حفصه و عایشه هر دو بر رسول خدا (ص) اعتراض کردند و پیامبر (ص) در پاسخ آنها گفت که دیگر به ماریه نزدیک نخواهم شد. (قمی، ۲۷۵/۶)

۱-۳. روایت خلافت ابوبکر و عمر

برخی منابع تاریخی و تفسیری ادامه‌ای برای روایت ماریه آورده‌اند، سرّی را که پیامبر (ص) به حفصه گفته بود، مربوط به مسأله خلافت بوده است. بدین‌گونه که پس از اعتراض حفصه: پیامبر (ص) به او می‌گوید از این به بعد ماریه را برخود حرام کرده‌ام و با او خلوت نخواهم کرد و در عین حال رازی پنهانی برای تو خواهم گفت که اگر آن را افشا کنی، لعنت خدا و فرشتگان و مردم برتوباد. حفصه گفت: یا رسول‌الله! آن راز پنهانی چیست؟ پیامبر (ص) فرمود: ابوبکر بعد از من خلافت را به دست خواهد گرفت و سپس بعد از او، پدرت عمر به خلافت خواهد رسید. حفصه گفت: یا رسول‌الله! چه‌کسی این خبر را به تو داده است؟ پیامبر (ص) فرمود: خداوند این خبر را به من داده است. حفصه موضوع راز

پنهانی را در همان روز به عایشه گفت و عایشه نیز آن را به پدرش ابوبکر گفت و ابوبکر هم آن را به عمر خبرداد. (سیوطی، الدارالمنثور، ۶/۲۴۰)

زمخشری در تفسیر سوره تحریم، پیرامون حکومت ابوبکر و عمر بیان می‌کند که پیامبر(ص) به حفصه گفت: آیا نگفتم که این سخن را پوشیده بدار؟ حفصه در پاسخ گفت: سوگند به خدا نتوانستم خود را در برابر این خبر خوش نگه دارم که خداوند چنین جایگاهی را به پدرم اختصاص داده است. (زمخشری، ۴/۵۶۳)

متاسفانه در برخی منابع شیعه مانند تفسیر قمی آمده است که ابوبکر و عمر تصمیم گرفتند رسول خدا (ص) را مسموم نمایند. (قمی، ۶/۲۷۶؛ مجلسی، ۲۲/۲۳۹)

۴-۱. روایت هبه

ابن ابی حاتم در تفسیر خود آورده است: «و بسند ضعیف عن ابن عباس قال: نزلت هذه الآية: «يا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ» في المرأة التي وهبت نفسها للنبي (ص)» این روایت ماجرای زنی است که خودش را به پیامبر(ص) هبه کرد و آن حضرت نپذیرفت. (ابن ابی حاتم، ۱۰/۳۳۶۲)

۲- بررسی روایات سبب نزول سوره تحریم

در این قسمت به بررسی روایات سبب نزول سوره تحریم از نظر سندی، مطابقت با عقل و سنت قطعی و سیاق آیات خواهیم پرداخت:

۲-۱. بررسی سندی روایات سبب نزول

روایت اول را از جهت سندی بیش‌تر محدثان اهل سنت، دارای سندی صحیح دانسته‌اند. نووی به قول نسائی استناد کرده که این حدیث درست و بسیار عالی است. (نووی، ۱۰/۷۷). ابن عربی روایت خوردن غسل در خانه زینب را نسبت به دیگر روایات غسل ارجحیت داده است. اما سند روایت ماریه را قوی‌تر دانسته هرچند که در صحیح بخاری نیامده و به صورت مرسل آمده باشد. (ابن عربی، ۴/۲۹۳) البته ما آن را به صورت متصل و

مسند از دارقطنی آورده‌ایم و منظور ابن عربی نقل‌های غیر از دارقطنی است. بررسی روات این حدیث نشان می‌دهد که راویان او، ثقه بوده‌اند. حسین بن اسماعیل را سمعانی ثقه و مورد اعتماد می‌داند. (سمعانی، ۲۵۷/۵) عبدالله بن شیبب گرچه ذهبی او را ضعیف می‌داند (ذهبی، تاریخ الاسلام، ۶۴/۱) ولی در نهایت به عالم بودن او اقرار می‌نماید. (ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ۲۲۸/۱) اسحاق بن محمد، ابن حبان او را در دسته ثقات نام برده و ابوحاتم او را صدوق دانسته است. (مزّی، ۴۷۰-۴۷۳) عبدالله عمر را در چند روایت، بخاری او را رجل صالح دانسته است (بخاری ۲۵/۵) مالک او را ائمه مسلمین و شعبی جید الحدیث می‌داندش. (ابن اثیر، ۲۳۸/۳) اما ابونصر را که ابن حجر وی را با نام (سالم بن ابی أمیمه التیمی أبو النضر المذنی مولى عمر بن عبدالله التیمی) معرفی کرده، پیرامونش می‌گوید: «احمد بن حنبل و ابن سعد و نسائی و ابن معین وی را ثقه دانسته‌اند» (ابن حجر، تهذیب التهذیب، ۲۹۵/۴-۲۹۶). پیرامون روایت خلافت عمر و ابوبکر، نقل‌های این حدیث از نظر سند قابل اعتماد نیست. سیوطی در درالمنثور بیان می‌دارد که فقط طبرانی و ابن مردویه به سند ضعیف از ابی هریره نقل کرده‌اند. واحدی و ابن عربی در بین روایات شأن نزول‌های سوره تحریم سخنی از جریان خلافت ابوبکر و عمر به میان نمی‌آورند. (واحدی، ۴۶۰؛ ابن عربی، ۲۹۳/۴)

روایت هبه را ابن عربی از جهت سند و معنا ضعیف دانسته و می‌گوید راویان آن ناعادل بوده و رد کردن درخواست آن زن کار حرامی نمی‌باشد. (ابن عربی، ۲۹۳/۴) سیوطی سند این روایت را ضعیف و از غرایب می‌داند (سیوطی، لباب النقول، ۲۰۰). البته باید این نکته را خاطر نشان کنیم که صرف داشتن سند صحیح برای روایات سبب نزول کافی نیست. باید با سیاق آیات، سنت قطعی و قوانین عقلی و منطقی نیز هماهنگ باشد.

۲-۲. بررسی روایات شأن نزول از نظر هماهنگی با عقل و سنت

هیچ یک از پنج نوع روایتی که در مورد سبب نزول سوره تحریم نقل شده است، با عقل و سنت قطعی مطابقت ندارد. پیرامون روایت اول می‌توان گفت که مخالف با عقل است، آن حضرت متوجه نشود که غسل بوی مغفیر نمی‌دهد و آن را بر خود حرام نکند.

مگر ایشان حس بویایی نداشتند که متوجه چنین مسأله‌ای نشوند و به سادگی گول حفصه و عایشه را بخورند و تحت تأثیر جوسازی آن دو قرار بگیرند (عسکری، ۸۶/۴-۸۷) آن حضرت به ادای حقوق همسرانش بسیار اهتمام داشته‌اند. روایت اول و دوم و سوم با سنت قطعی رسول خدا (ص) تعارض دارد که ایشان بخاطر رضایت دو نفر از همسرانش به همسر دیگرش ظلم کند و بگوید دیگر نزد آن نمی‌روم. پیرامون روایت خلافت ابوبکر و عمر باید گفت که هیچ‌یک از اهل سقیفه این را به عنوان شاهد نیاورده‌اند و تنها به قرشی بودن، خویشاوندی با رسول خدا (ص)، همراهی با آن حضرت در غار و بزرگی سن ابوبکر اشاره کرده‌اند. (طبری، تاریخ الامم والملوک، ۲۱۹/۳-۲۲۰) همچنین از رسول خدا (ص) که امین وحی الهی است، چگونه چنین عملی سرمی‌زند، رازی را که نباید افشا می‌شد به زبان آورد. نکته دیگر این است که با تاریخ قطعی و تعیین امام علی (ع) به عنوان جانشین، توسط رسول گرامی اسلام (ص) در تعارض است. روایت هبه نیز با عقل سازگار نیست زیرا رسول خدا (ص) در انتخاب و ازدواج با همسران خود مخیر بودند. دلیلی ندارد، بخاطر چنین مسأله‌ای که مربوط به زندگی شخصی آن حضرت است وحی نازل شود. نتیجه این است که هیچ‌کدام از روایات با عقل و سنت قطعی رسول خدا (ص) هماهنگ نیست و نمی‌توان آن‌ها را پذیرفت.

۲-۳. بررسی تطابق روایات سبب نزول با سیاق آیات

روایت عسل و ماریه با سیاق آیات از نظر این که تحریم عسل و ماریه نمی‌تواند آن قدر موضوع مهمی باشد که خداوند لشکر فرشتگان و حمایت صالح‌المؤمنین از آن حضرت را به صف کند، ناسازگار است. (عسکری، ۹۳/۴) خداوند داستان همسران حضرت لوط (ع) و حضرت نوح (ع) را آورده است. آن زنان گناهی که انجام می‌دادند این بود که اسرار خانه خود را به نزد دشمنان می‌بردند و جاسوسی می‌کردند. در صورتی که خوردن عسل و تحریم ماریه هیچ شباهتی به آن ندارد. (مکارم شیرازی، ۳۰۱/۲۴). نکته دیگر این است که در

اخبار مطرح شده در روایات سبب نزول ابتدا تحریم آمده است بعد به افشای سر اشاره دارد، در صورتی که طبق این آیه «وَإِذْ أَسْرَ النَّبِيُّ إِلَىٰ بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِهِ وَأَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَّفَ بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَّأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنْبَأَكَ هَذَا قَالَ نَبَّأَنِيَ الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ» (التحریم/۳) ابتدا افشای سر بوده بعد تحریم صورت گرفته است. (برزگر، ۹۴). روایت خلافت ابوبکر و عمر مشکل روایت اول و دوم را ندارد. افشای چنین رازی می‌توانست معادلات حکومت اسلامی را بر هم بزند اما مشخص نشده منظور از عَرَفَ بَعْضَهُ و أَعْرَضَ عَنْ بَعْضِهِ چیست؟ از این رو نمی‌توان به عنوان سبب نزول قلمداد کرد. (سلمان‌زاده، ۱۱۲) روایت هبه که با تمام سیاق آیات مخالفت دارد با مثنی آمدن تظاهرا، لشکریان فرشته و صالح المؤمنین و زنان لوط و نوح ناسازگار است نتیجه این که هیچ‌کدام از روایات نمی‌تواند تطابق کامل با سیاق آیات داشته باشند و مفهوم دقیق آیات را روشن کند.

۲-۴. اضطراب متن و تعارض‌های درونی روایات

با نظر در روایات سبب نزول سوره تحریم اضطراب متن و تعارض روایات با یکدیگر مشخص می‌شود. این روایات حداقل در شش مورد با یکدیگر تعارض دارند (برزگر، ۹۱)

۱- این اخبار در حلالی که رسول خدا (ص) بر خود حرام کرد اتفاق نظر ندارد، گاهی همبستر شدن با ماریه می‌داند، گاهی خوردن شربت عسل.

۲- اخباری که ماجرا را خوردن عسل می‌دانند، مشخص نیست در خانه کدام یک از همسران آن حضرت اتفاق افتاده است. برخی سوده، عده‌ای ام‌سلمه و در نهایت حفصه می‌دانند. (سیوطی، الدر المنثور، ۲۳۹/۶)

۳- این اخبار گاهی حفصه را هم‌دست عایشه علیه همسر دیگر پیامبر (ص) دانسته و گاهی همسران دیگر رسول خدا (ص) را هم‌دست عایشه علیه حفصه می‌دانند. (سیوطی، الدر المنثور، ۲۳۹/۶)

۴- در ماجرای تحریم ماریه، گاه افشاکننده سر را حفصه می‌داند و گاهی عایشه

(سیوطی، الدر المنثور، ۲۴۱/۶)

- ۵- این اخبار گاه سر را تحریم ماریه، گاه خلافت عمر و ابوبکر و یا هردوی آن می‌داند. (سیوطی، الدر المنثور، ۲۳۹/۶-۲۴۱)
- ۶- اخباری که سر را خلافت ابوبکر و عمر می‌داند گاه آن دو را شایسته خلافت می‌داند (سیوطی، دار المنثور، ۲۴۰/۶) و گاه خلافت آن دو را غاصبانه اعلام می‌کند. (مجلسی، ۲۳۹/۲۲)

۳- روایت ابن عباس

در کتب مشهوری همچون صحیح بخاری و مسلم از ابن عباس این چنین روایت شده است که گفت: من همواره حریص بودم از عمر جریان دو نفر از همسران رسول خدا(ص) را که آیه «إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا» درباره آنان نازل شده بپرسم. تا آن که سالی عمر به حج رفت، من نیز با او حج کردم. در بین راه از عمر پرسیدم: ای امیرالمؤمنین! آن دوزن از زنان رسول خدا(ص) که خدای تعالی درباره‌شان فرمود: «إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا» کیانند؟ گفت: این از تو عیب است ای ابن عباس! آن دو زن عایشه و حفصه بودند. آن گاه شروع کرد جریان‌شان را برایم نقل کرد. این روایت بسیار مفصل است و خلاصه‌اش چنین است که پیامبر (ص) بخاطر رفتار نادرست این دو نفر، مدتی از همه زنان‌ش کناره‌گیری کرد. (بخاری، ۱۵۶/۶-۱۵۸؛ مسلم، ۱۱۰۸/۲، نووی، ۷۷/۱۰). این روایت گرچه در مورد سوره تحریم آمده است، اما نمی‌توان آن را در ردیف سبب نزول بیان کرد، زیرا تنها مصداق آن دو زن را بیان می‌کند. لذا به صورت جداگانه آورده شده است.

۴- بررسی خطوط کلی آیات سوره تحریم

طبق آنچه گفتیم با بررسی روایات سبب نزول پی به غیرقابل استناد بودن آن‌ها می‌بریم. برای رسیدن به سبب نزول حقیقی سوره تحریم، ابتدا طبق تفسیر قرآن به قرآن

می‌توان به خطوط کلی سبب نزول سوره دست یافت. بررسی تعبیر و جزئیات ارائه‌شده در آیات قرآن و سیاق سوره در ترسیم سبب‌نزول سوره اهمیت فراوانی دارد. (نفیسی، ۱۶۶). وقایع مربوط به سوره دو محور اصلی دارد: واقعه افشای سر و ماجرای تحریم حلال. ماجرای تحریم به سبب فعل مضارع آن (تُحَرِّم) باید بعد از ماجرای افشای سر که از آن با ظرف زمان گذشته (إِذْ) و فعل ماضی یاد می‌شود (وَ إِذْ أَسَرَ النَّبِيُّ)، اتفاق افتاده باشد. لذا بنابر آیه سوم، ماجرای سوره از آن آغاز می‌شود که پیامبر اکرم (ص) سرّی را به یکی از همسرانش مطرح کرده و آن زن نیز آن راز را افشا می‌کند: «وَ إِذْ أَسَرَ النَّبِيُّ إِلَى بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِهِ وَأَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَفَ بَعْضُهُ وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَّأَهَا بِهِ». در ادامه خداوند، پیامبرش را از این ماجرا باخبر کرده و ایشان نیز برخی از زوایای ماجرا را بازگو می‌کند. «فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِهِ وَأَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَفَ بَعْضُهُ وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ». از ضمائر مثنای آیه چهارم؛ مانند: «تُتُوبَا»، «قُلُوبُكُمَا» و «تَظَاهَرَا» و این‌که در آیه اول و پنجم سوره سخن از زنان پیامبر (ص) مطرح است، به دست می‌آید که آن زن، راز را برای یکی دیگر از همسران پیامبر اکرم (ص) فاش کرده و این کار نیز مقدمه‌ای برای توطئه علیه پیامبر (ص) بوده است: «وَ إِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ». البته با توجه به ضمائر جمع مؤنث موجود در آیه یک و پنج، مشخص می‌شود که همسران دیگری علاوه بر این دو نفر نیز یا به گونه‌ای در این ماجرا شرکت داشته‌اند یا لاقلاً خطر افتادن در این ورطه را داشته‌اند که در آیه پنج، ایشان را نیز به طلاق تهدید می‌کند: «عَسَى رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَنَّ». طبعاً یکی از مهم‌ترین ابزارهای پیامبر اکرم (ص) برای مقابله با توطئه این زنان، طلاق ایشان بوده است؛ زیرا همسر پیامبر بودن برای آن‌ها یک جایگاه اجتماعی مهم محسوب شده و از این‌رو طلاق برای زنان پیامبر (ص) تبعات اجتماعی مهمی داشته است. از آیه پنجم سوره که بعد از عتاب شدید آیه چهارم، از احتمال طلاق همسران پرده بر می‌دارد. در حمایت از پیامبر اکرم (ص) ایشان را وعده به همسرانی مسلم، مؤمن و فرمان‌بردار در صورت طلاق همسران فعلی‌اش می‌دهد، به دست می‌آید که چنین گزینه‌ای از سوی پیامبر (ص) برای رفع توطئه مطرح بوده است.

در خبر ابن عباس قرینه‌ای برای این بحث وجود دارد؛ زیرا در این اخبار آمده است که پیامبر اکرم (ص) بعد از نزول سوره، زن افشا کننده راز را طلاق و حدود یک ماه از بقیه زنان فاصله گرفت، به طوری که شایعه تصمیم آن حضرت درباره طلاق آن‌ها منتشر شد و ایشان سخت به وحشت افتادند. (بخاری، ۱۵۶/۶-۱۵۸؛ سیوطی، الدر المنثور ۶/۲۴۲-۲۴۳) با این بیان مشخص می‌شود که حلال مورد نظر در آیه یک، چنان‌که برخی مفسران نیز بیان کرده‌اند (بلاغی، ۴۶/۷) امر طلاق همسران بوده است. تصریح این آیه با عبارت «مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ» علاوه بر تأکید بر حلال بودن این امر، قرینه‌ای است بر این‌که امر حلال مورد نظر، امری مانند طلاق بوده که کاملاً جنبه شخصی دارد؛ زیرا در صورتی که حلال مورد نظر امری عمومی بود، باید با تعبیر «مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ» از آن یاد می‌شد، چنان‌که در آیه دوم از امر گشودن سوگند با این تعبیر یاد می‌کند «قَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ أَيْمَانِكُمْ».

از آیه دوم سوره به دست می‌آید که پیامبر (ص) این حلال را با سوگند بر خود حرام کرده است: «قَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ أَيْمَانِكُمْ». علتی که آیه اول برای این تحریم بیان می‌کند، رضایت همسران است: «تَبْتَغِي مَرْضَاتَ أَزْوَاجِكَ». با این مطلب، یک سوال کلیدی برای فهم ماجرای مورد نظر سوره نمایان می‌شود و آن این‌که چرا با وجود توطئه این همسران، پیامبر اکرم (ص) به جای این‌که ایشان را طلاق دهد، برای کسب رضایتشان، طلاقشان را بر خود حرام کرد؟! پاسخ این سؤال نیز با دقت در آیه چهارم روشن می‌شود. این آیه به دو فرض (۱). توبه زنان از توطئه انجام گرفته؛ ۲. تظاهر و ادامه توطئه، پاسخ بسیار شدیدالحن داده است: «إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ». این مشخص می‌کند که ایشان همین دو حالت را پیش روی آن حضرت قرار داده‌اند؛ یعنی پیامبر (ص) را در صورت طلاق، تهدید به ادامه توطئه کرده‌اند و توبه خود را منوط به تحریم طلاق دانسته‌اند. لذا پیامبر اکرم (ص) از روی بزرگواری و جهت دادن فرصتی دوباره و برای حفظ مصلحت جامعه اسلامی با سوگند، این حلال الهی را بر خود حرام کردند تا شاید رضایت ایشان را به

دست آورده و از ادامه توطئه بازدارند. با این بیان روشن می‌شود که چرا وحی الهی ابتدا در آیه چهارم سوره رو به آن دو زن کرده و با قاطعیت به شروطی که برای پیامبر اکرم (ص) تعیین کرده بودند، پاسخ می‌دهد؛ بدین شرح: اگر شما دوتن توبه کنید، نه تنها هیچ منتی بر پیامبر اکرم (ص) ندارید و وعده‌ای هم به شما در آمرزش گناه عظیمتان نمی‌دهم، بلکه باید بدانید که راهی جز توبه ندارید که قطعا قلوب شما منحرف شده است: «إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا»؛ اما اگر بخواهید توبه نکرده و علیه پیامبر (ص) تبانی کنید، بدانید که من مولای او هستم و جبرئیل، صالح مؤمنان و همه ملائکه پشینیان او هستند: «وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ» از این رو، کارتان به جایی نخواهد رسید و آنگاه در آیه پنجم، به مسأله طلاق ایشان پرداخته و می‌فرماید: اما بدانید اگر پیامبر اکرم (ص) تصمیم به طلاق شما بگیرد، نه تنها آسیبی متوجه او نخواهد شد بلکه من که پروردگار او هستم، ازواجی بهتر از شما نصیبش خواهم کرد: «عَسَىٰ رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَنَّ أَنْ يُبَدِّلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِنْكُمْ» با توجه به آنچه آمد، سیر داستان سوره را می‌توان چنین بیان کرد: پیامبر اکرم (ص) مطلبی را به صورت سر به یکی از همسران خود بیان می‌کند: «وَإِذْ أَسَرَّ النَّبِيُّ إِلَىٰ بَعْضِ أَزْوَاجِهِ» آن زن سر را به یکی دیگر از همسران پیامبر (ص) افشاکرده «فَلَمَّا تَبَأْتُ بِهِ» و مقدمات توطئه‌ای علیه پیامبر (ص) را فراهم و در این راستا اقداماتی را آغاز می‌کنند. خداوند پیامبر اکرم (ص) را بر تمام کارهای ایشان آگاه کرده «أَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ» و ایشان از یک سو گوشه‌ای از ماجرا را بیان می‌کند: «عَرَفَ بَعْضُهُ وَاعْرَضَ» و از دیگر سو، تصمیم به طلاق همسران خویش برای دفع ریشه فتنه می‌گیرد. آن دو زن، پیامبر اکرم (ص) را تحت فشار قرارداده و توبه خود را از این کار منوط به سوگند خوردن پیامبر اکرم (ص) مبنی بر حرام کردن طلاق ایشان بر خود کرده. آن حضرت را در صورت نپذیرفتن این پیشنهاد، تهدید به ادامه تبانی و تظاهر می‌کنند. پیامبر (ص) از روی کمال بزرگواری و برای مصلحت امت پیشنهاد ایشان را می‌پذیرد. در این هنگام سوره نازل شده و وحی الهی به مدد پیامبر اکرم (ص) آمده و همه

نقشه‌های ایشان را نقش بر آب می‌کند. خداوند ابتدا پیامبر (ص) را به شکستن سوگند خود دعوت کرده (آیه اول و دوم) آن‌گاه به مؤمنان رو کرده و ایشان را از توطئه این دو زن باخبر می‌کند (آیه سوم). وحی الهی سپس رو به آن دو زن کرده و با قاطعیت به شروطی که برای پیامبر (ص) تعیین کرده بودند، پاسخ داده (آیه چهارم) و آن‌گاه ایشان را تهدید به طلاق کرده و وعده همسرانی مؤمن و فرمان‌بردار به پیامبر (ص) می‌دهد. (آیه پنجم)

در ضمن آنچه درباره سرّ از آیه می‌توان فهمید این است که این سرّ قطعاً امر مهمی بوده که آن دوزن با افشای آن، توانسته‌اند دست به اقدامی علیه پیامبر (ص) بزنند. اما این‌که به طور خاص آن سرّ چه بوده سوره درباره آن ساکت است. (برزگر، ۹۵-۹۹) مرحوم شیخ مفید در پاسخ به این سؤال که سرّ در این سوره چه بوده، چنین پاسخ می‌دهد: این‌که آن سرّ چه بوده از تکلیف ما ساقط است؛ زیرا قرآن گویای آن است که آن مطلب، سرّ پیامبر اکرم (ص) با همسرانش بوده است و وحی الهی بیان نکرده که آن سرّ بعد از این جریانات، شایع شده است. پس از آن از امام صادق (ع) آورده است که آن سرّ خلافت امام علی (ع) می‌باشد که پیامبر (ص) به عایشه در میان گذاشت و به او گفت که به عنوان راز نزد خود نگهدار اما او نتوانست آن را حفظ کند. (مفید، المسائل العکبریه، ۷۷). این سخن شیخ مفید را نمی‌توانیم بپذیریم زیرا سیاق آیات نشان می‌دهد که این سرّ آشکار شد. خداوند جامعه اسلامی را از افتادن به انحراف هشدار می‌دهد و راه توبه را در صورت انحراف برای آنان باز می‌گذارد. «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ (۶) یا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَعْتَذِرُوا الْيَوْمَ إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۷) یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُم جَنَّاتٍ تَجْرَىٰ مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَىٰ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا وَاغْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۸) یا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَا وَاهُمْ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (۹)» اما در مورد خلافت امام علی (ع) با

موازن عقلی سازگار نیست که آن حضرت چنین ناشیانه عمل کند و این مطلب را به عایشه بگوید، عایشه‌ای که بعد آن حضرت پدرش به حکومت می‌رسد و اختلاف شدیدی با امام علی (ع) دارد. (برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به کتاب الجمل شیخ مفید). آن سرّ هرچه هست مطلب مهمی است که افشای آن جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد اما نمی‌تواند در حد جانشینی امام علی (ع) بوده باشد. از آیه ششم این سوره به دست می‌آید که این سرّ و افشای آن امکان داشت که مؤمنین و خانواده‌های آنان به دام آن بیفتند (میرباقری، ۱۸۷-۱۸۸) و آیه هشتم نشان می‌دهد که به دچار انحراف شده‌اند و باید توبه کنند، آن‌هم توبه نصوح. پس باید آن راز چیزی باشد که اولاً اقتضا کند رسول خدا (ص) ابتدا به همسر خود بگوید و برخی از زنان آن حضرت از آن سوء استفاده کرده باشند، دوماً پس از افشای آن سرّ در جامعه، مؤمنین را در یک امتحان قرار دهد.

۵- بررسی سوره احزاب

سوره احزاب آیات ۶ تا ۲۳ آن به بررسی جنگ احزاب، آیات ۲۸ تا ۳۴ هشدار و عتاب به همسران پیامبر (ص) و آیه ۳۵ و ۳۶ خطاب به جامعه اسلامی و موضوع ازدواج پیامبر (ص) پرداخته است. از آن جهت که در این سوره همچون سوره تحریم با لحن شدیدی همسران رسول خدا (ص) مورد عتاب قرار گرفته‌اند و وقایع مهم جنگ احزاب و ازدواج پیامبر (ص) با زینب بنت جحش بیان شده است، حدس ما بر این است که بررسی سیاق آن ما را به سبب نزول سوره تحریم نزدیک کند. لذا سیاق آن را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۵-۱. گونه‌های رفتاری مسلمانان در غزوه خندق

جنگ‌ها معیار خوبی برای آزمودن انسان‌هاست و افراد در شرایط سخت و بحرانی شخصیت حقیقی خود را نشان می‌دهند. در سوره احزاب هفده آیه به جنگ خندق اختصاص یافته که در آن دسته‌بندی دقیقی از رفتار مسلمانان در میزان همراهی با پیامبر

اکرم (ص) نشان داده شده است، در این گونه شناسی مسلمانان به شش گونه رفتاری دسته‌بندی شده‌اند که به صورت زیر است:

۱- مؤمنان «وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا» (الاحزاب/ ۲۲)

۲- بهانه جویان «وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِن يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا» (الاحزاب/ ۱۳)

۳- معوقین (بازدارندگان) «قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الْمُعَوِّقِينَ مِنْكُمْ وَالْقَائِلِينَ لِإِخْوَانِهِمْ هَلُمَّ إِلَيْنَا وَلَا يَأْتُونَ الْبَاسَ إِلَّا قَلِيلًا» (الاحزاب/ ۱۸)

۴- مرجفون (شایعه‌سازان) «لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا» (الاحزاب/ ۶۰)

۵- بیماردلان «وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا» (الاحزاب/ ۱۲)

۶- منافقان که در آیه قبل به آن اشاره شده است. (بختیاری، ۵۱)

با توجه به آنچه در کتاب‌های تاریخی و قرآن کریم آمده است، می‌توان رفتار مسلمانان را بر اساس همراهی با پیامبر اکرم (ص) در غزوه خندق در دو بعد رفتار گفتاری و رفتار عملی به صورت زیر دسته‌بندی کرد.

جدول شماره ۱: شاخص‌های تحدید و تحصیر سنخ‌های مسلمانان در غزوه خندق. (بختیاری، ۵۵)

گونه‌های رفتاری	رفتار گفتاری	رفتار عملی
مؤمنان	اذعان به صدق وعده‌های خدا، اطاعت از دستورات پیامبر(ص)، یادآوری بیعت و تعهد خود با پیامبر(ص)، تمسخر کاهلان، آمادگی دفاعی با تکبیرهای مکرر	مشارکت دلسوزانه درحفرخندق، استقامت در شرایط بحرانی، تحمل سختی‌ها، مسئولیت‌پذیری، پاسداری از پیامبر(ص) و انسجام فرامین ایشان.
بهانه‌جویان	بهانه تراشی، کسب اجازه از پیامبر(ص) برای ترک عرصه جنگ، ارائه دلایل واهی برای معافیت از جهاد	همراهی در شرایط آرام و منفعت‌جویانه، ترک همذاهبی در شرایط بحرانی، احساس ناامنی و خطر جانی، ترک صحنه نبرد.
معوّقین (بازدارندگان)	بازداشتن مسلمانان از همراهی با پیامبر (ص)، زبان تند و تیز، توجیه رفتار خود	حضور اندک در عرصه جنگ، تنگ‌نظری نسبت به مسلمانان، حرص بر غنیمت، اشتیاق به رفتن از مدینه در شرایط بحرانی، کارشکنی، ترک مسئولیت
فی قلوبهم مرض (بیماردلان)	فریب خواندن وعده‌های الهی و سوءظن به آنها	شک و تردید در همراهی، ترک عرصه نبرد در شرایط دشوار بدون اجازه پیامبر(ص)
مرجفون (شایه سازان)	بیان سخنان بی‌پایه و اساس، فتنه انگیزی، اشاعه باطل، شایعه‌سازی	ایجاد ناامنی و نگرانی در بین مردم، متشنج کردن وضعیت جامعه
منافقان	بیان ضعف مسلمانان، بزرگ‌نمایی قدرت دشمن، سوءظن به خدا و رسول، تمسخر سخنان و وعده‌های پیامبر (ص).	طفره رفتن از انجام کار و مسئولیت محوله، ترک صحنه نبرد بدون اجازه پیامبر(ص)، فرار از عرصه جنگ.

علامه سیدجعفر مرتضی عاملی تحلیل خوبی از حالت روحی سپاه دشمن و مسلمانان در جنگ خندق دارند. ایشان در سیره خود آورده‌اند که سپاه دشمن احساس برتری داشت و مطمئن بودند که پیروز میدان هستند. سپس به سخن ابن‌شهر آشوب استناد می‌کند که می‌گوید: «کان الکفار علی الخمر و الغناء و المدد و الشوكة» (ابن‌شهر آشوب، ۱/۱۹۸؛ عاملی، ۷/۱۱). حالات مردم مدینه را به سه دسته کلی عامه مردم، اهل ایمان و منافقان تقسیم کرده‌اند. به صورت جداگانه و مفصل آورده می‌شود.

الف: عامه مردم: حالت روحی عامه مردم ترس و وحشت از پیروزی دشمن بود.

مخصوصاً هنگامی که محاصره مسلمانان توسط دشمن افزایش می‌یافت. این‌ها مسلمانانی بودند که هنوز ایمان در قلب و جان‌شان مستحکم نشده بود. (عاملی، ۹/۱۱-۸) قرآن کریم ترس و وحشت این گروه را چنین توصیف می‌کند: «وَ إِذْ زَاغَتْ الْأَبْصَارُ وَ بَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَ تَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا» (الاحزاب/ ۱۰)

ب: اهل ایمان: این گروه بدون هیچ شک و تردیدی، مطمئن به یاری خداوند به پیروزی آن‌ها بردشمن بودند. (عاملی، ۹/۱۱). قرآن کریم در وصفشان می‌فرماید: «وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ صَدَقَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ مَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَ تَسْلِيمًا» (الاحزاب/ ۲۲). از بارزترین اشخاص این گروه را می‌توان به امام علی (ع) اشاره کرد. به دلیل ایمان و اخلاصی که داشتند، پیامبر (ص) ضربت ایشان در جنگ خندق برتر از عبادت جن و انس تا روز قیامت دانستند. علامه سیدجعفر مرتضی بخشی را به نام (ضربة علی (ع) يوم الخندق تعادل عبادة الثقلين) آورده است. داستان را به خوبی شرح داده و به شبهات پیرامون آن پاسخ داده است. (عاملی، ۱۱/۱۱).

ج: منافقان: این گروه در قدرت مسلمانان در مواجهه‌ی با دشمن شک می‌انداختند. از همان ابتدای حفر خندق نفاق خود را نشان دادند. شایعات این گروه در مردم عامه اثر می‌کرد. (عاملی، ۱۱/۱۱-۱۰). قرآن کریم می‌گوید: «وَ إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا» (الاحزاب/ ۱۲). ابن عباس می‌گوید موقعی که محاصره بیشترشد، ترس از یهود نیز شدت گرفت. سخن منافقان باعث شد که تعداد کمی در اطراف رسول خدا (ص) بمانند. (عاملی، ۱۱/۱۵). در برخی نقل‌ها آمده است که فقط سیصد نفر با پیامبر (ص) ماندند. (عاملی، ۱۱/۱۹). برخی از منافقان می‌گفتند آنچه محمد (ص) وعده داده بود، کلاً باطل است. گروهی می‌گفتند خانه‌هایمان خالی است می‌ترسیم یهود به آن دست پیدا کند. (عاملی، ۱۱/۱۵).

۲-۵. بررسی آیات ۲۸-۳۵ سوره احزاب پیرامون همسران رسول خدا (ص)

از آن‌جا که آیات ابتدایی سوره تحریم و ۲۸ تا ۳۵ سوره احزاب خطاب به همسران رسول خدا (ص) نازل شده است. بررسی آن‌ها نیز می‌تواند در شناخت سبب نزول سوره

تحریم کمک کند. در سوره احزاب ابتدا این به نظر می‌رسد که همسران رسول‌خدا(ص) بخاطر مسائل دنیوی از آن حضرت شکایت داشته و ایشان را تحت فشار قرار داده. خداوند می‌گوید اگر دنیا را می‌خواهند بگو بیایند آن‌ها را طلاق بده و آزاد کن، تا متاع دنیا نصیبشان شود. «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ إِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَأَسَرِّحْكُنَّ سَرَاحاً جَمِيلاً» (الاحزاب / ۲۸). تتمیع به معنا مالی است که وقتی یکی از ایشان را طلاق می‌دهد مالی به او می‌دهد تا با آن زندگی کند. تسريح به معنای رها و آزاد کردن، سراح جمیل به این معناست که بدون مشاجره و نزاع، طلاق دهد. آیه بعد دقیقاً مخالف این آیه است، اشاره دارد اگر به جای دنیا، اطاعت از خدا و پیامبرش و آخرت را اختیار کردید، قطعاً برای نیکان شما پاداشی عظیم است. «وَإِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالدَّارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنْكُنَّ أَجْراً عَظِيماً» (الاحزاب / ۲۹). در دو آیه بعد اشاره دارد هریک از همسران پیامبر(ص) گناهی آشکار انجام دهد (مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ). منظور گناهی است که آشکار و بسیار زشت باشد مثل آزدن رسول‌خدا(ص)، غیبت و تهمت، او به سبب این که همسر رسول‌خداست سه برابر عذاب می‌شود «يُضَاعَفُ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ». در آیه بعد بیان می‌دارد هرکس از شما مداومت بر خضوع و اطاعت از رسول‌خدا(ص) داشته باشد، دو برابر پاداش می‌دهیم. «وَمَنْ يَقْنُتْ مِنْكُنَّ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعْمَلْ صَالِحاً نُؤْتِيهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقاً كَرِيماً» (الاحزاب / ۳۱). قنوت به معنای مداومت بر خضوع و اطاعت است. آیه بعد برابری همسران رسول‌خدا(ص) را با بقیه زنان به شرط تقوا پیشه کردن، نفی کرده «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ». سپس آن‌ها را به این امر می‌کند که نازک و لطیف در برابر نامحرم صحبت نکنند. نظر علامه طباطبایی این است، خضوع در قول به معنای این است که آهنگ کلام را نازک و لطیف نکنید. (طباطبایی، ۳۰۵/۱۶-۳۰۹)، اما نکته این است که اگر منظور سوء استفاده شخصی تنها بود، شامل همه زنان جامعه می‌شد، اما این‌جا منظور این است که طوری سخن نگویند که در اجتماع از موقعیت شما سوء استفاده شود. (ایزدی، ۲۵۱) این تفسیر با سیاق آیات

سوره احزاب و قرآن کریم هماهنگی بیشتری دارد. ما در آیه ۱۲ سوره احزاب داریم که «الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ، بيماردلان» را در کنار منافقین آورده است و همان طور که قبلا در تشریح آیات ابتدایی که مربوط به جنگ احزاب است آوردیم. این ها گروهی بودند که به وعده های خداوند و پیامبر(ص) اعتقاد نداشتند و شک و تردید در دل مردم ایجاد می کردند. در سوره بقره در وصف منافقان داریم که خداوند می فرماید «فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا» (البقره/۱۰). تفسیری که با آیات قرآن هماهنگ است این است که خداوند به همسران پیامبر(ص) هشدار می دهد که در اجتماع طوری سخن نگویند که بيماردلان از سخنان شما، علیه رسول خدا(ص) سوء استفاده کنند. آیه بعد به زنان پیامبر(ص) دستور می دهد که در خانه بمانند و در برابر مردم ظاهر نشوند. «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ» (الاحزاب/۳۳) قرن به معنای پابرجا شدن و کنایه از ثابت ماندن در خانه است. تَبَرُّج یعنی ظاهر شدن در برابر مردم. (طباطبایی، ۳۰۹/۱۶). همان طور که پیرامون آیه قبل گفتیم طبق سیاق آیات مسئله شخصی نسبت و گرنه متوجه تمام زنان مسلمان می شد. با توجه به وقایع سال پنجم هجرت، وقوع جنگ احزاب و ازدواج پیامبر(ص) با زینب بنت جحش در این سال (طبری، تاریخ الامم و الملوك، ۵۶۲/۲-۵۶۵)، اتفاقات مهمی است که مسلمانان را در یک امتحان اجتماعی قرار داده. خداوند به همسران رسول خدا(ص) هشدار می دهد که در خانه های خود بمانند، نماز و زکات بپردازند، خدا و رسولش را اطاعت کنند، خود را از افتادن در فتنه حفظ کنند و سخنی نگویند که از آن علیه پیامبر(ص) سوء استفاده کنند. پیرامون این قسمت از آیه «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (الاحزاب/۳۳) باید گفت که شأن نزول قطعی آن پیرامون پنج تن آل عبا (ع) است. متن آن نشان می دهد که استقلال در نزول دارد و نمی توان آن را به همسران پیامبر(ص) نسبت داد. (بابایی، ۴۰؛ طباطبایی ۳۱۰/۱۶-۳۱۲). در آیه بعد اشاره دارد که شما زنان رسول خداوند(ص) وظیفه دارید تا آنچه از آیات الهی و حکمت در خانه هایتان خوانده می شود حفظ کنید و به خاطر داشته

باشید. «وَ اذْكُرْنَ مَا يُتْلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا» (الاحزاب/۳۴). ذکر معنای مقابل فراموشی و به معنای یادآوری است و به معنای تأکید و تشدید، سفارشی بعد از سفارشی است. به زنان پیامبر(ص) وصیت می‌کند که این آیات را فراموش نکنند، به خاطر داشته باشند و به آن عمل کنند. (طباطبایی، ۳۱۳/۱۶). در آیه بعد ویژگی زنان و مردان مؤمن را نام برده و در نهایت خداوند پاداش بزرگ و مغفرت را برای آنان در نظر گرفته است.

۵-۳- بررسی آیه ۳۶ و ۳۷ سوره احزاب

این آیات از این حیث که پیرامون ازدواج پیامبر(ص) با زینب بنت جحش است و واقعه‌ای بوده که مسلمانان را تحت تأثیر قرار می‌داده بسیار مهم است. در آیه اول خداوند امر می‌کند که هر آن‌چه خدا و رسولش به عنوان شریعت می‌آورند برای آنان بهتر است و هرکس مخالفت خدا و رسولش کند در گمراهی آشکاری افتاده است. «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَىٰ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا» (الاحزاب/۳۶). علامه طباطبایی کلمه قضا را قضای تشریعی و قانون‌گذاری می‌داند نه قضای تکوینی (طباطبایی، ۳۲۱/۱۶) زیرا قضای تکوینی قابل مخالفت و نافرمانی نیست. این آیه مسلمانان را آماده می‌کند برای پذیرش یک امر بزرگ که در آیه بعد به آن پرداخته است. آیه ۳۷ به ماجرای ازدواج پیامبر(ص) با زینب بنت جحش پرداخته است. در مورد روایات سبب نزول این آیه دو دیدگاه کلی موجود است.

دیدگاه اول

برخی مفسران و محدثان اهل سنت با دست‌آویز قرار دادن احادیث مشکوک یا مجعولی که در این زمینه ساخته و پرداخته شده است، معتقدند که پیامبر(ص) بعد از ازدواج زید با زینب، با دیدن زینب عاشق و دل‌باخته او شده، منتظر و علاقه‌مند بود تا زید او را

طلاق دهد تا بتواند با او ازدواج نماید. لذا پیامبر(ص) همین عشق و تعلق باطنی به زینب را مخفی نگه می‌داشت چون می‌ترسید مردم بخاطر این عشق پنهانی او را سرزنش کنند. (طبری، جامع‌البیان، ۵۶۲/۲؛ قمی، ۱۹۴/۲؛ آلوسی، ۲۰۴/۱۱)

دیدگاه دوم

این دیدگاه با الهام از روایات اهل‌بیت (ع) به دست آمده و غالباً در تفاسیر امامیه وجود دارد (در تفاسیر اهل سنت به عنوان یک تفسیر فرعی گزارش شده است) بدین صورت است که؛ پیامبر(ص) از طریق وحی آگاه شده بود که بخاطر برهم زدن قانونی جاهلی، زینب به زودی یکی از همسران ایشان خواهد شد. خداوند با ازدواج در آوردن پیامبر(ص) با زینب این راز را آشکار نمود. (عاملی، ۹۵/۱۴) اما ترس از مردم نیز راجع به خدا و دین او بوده است یعنی می‌ترسید که ایمان مردم بخاطر این ازدواج، سست شود. (طباطبایی، ۳۲۳-۳۲۱/۱۶) آنچه رسول‌خدا(ص) از آشکار شدن آن نگران بود سخنان مردم بود که فکر می‌کردند پسر خوانده مانند پسر صلبی است و احکام آن مثل یکدیگر است. همین باعث می‌شد که منافقان بگویند که محمد ما را از ازدواج با همسر پسر منع می‌کند ولی خودش ازدواج کرده است. (عاملی، ۹۸/۱۴). طبرسی بعد از بیان این دیدگاه آورده است که از حضرت علی‌بن‌حسین(ع) هم همین روایت شده است و این تأویل موافق تلاوت آیه است. خداوند سبحان اعلام کرد که او ظاهر می‌کند آنچه را که او مخفی داشته و آنچه را ظاهر کرده همان تزویج بوده است. (طبرسی، ۵۶۴/۸) طبری در جامع‌البیان چنین نقل می‌کند: حدثنا خالد بن أسلم، قال: ثنا سفیان بن عیینة، عن علی بن زید بن جدعان، عن علی بن حسین، قال: کان الله تبارک و تعالی أعلم نبیه صلی الله علیه و سلم أن زینب ستکون من أزواجه، فلما أتاه زید یشکوها قال: اتق الله و أمسک علیک زوجک، قال الله: (وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ) (طبری، جامع‌البیان، ۱۱/۲۲؛ عاملی، ۹۴-۹۵).

بررسی روایات

- ۱- روایات دیدگاه اول از نظر سندی ضعیف و دارای راویان غیرقابل اعتماد است. ولی روایت دیدگاه دوم دارای سندی صحیح است. (نک: حکم آبادی، ۴۴-۵۰)
- ۲- آیات زیادی اشاره به عصمت انبیا دارد (البقره ۱۲۴ و ۱۲۳؛ الحشر، ۷؛ النساء ۶۵ و ۸۰) و از هرگونه گناه و اشتباه مصون هستند. علاقه و چشم داشت نسبت به ناموس دیگران گناهی بزرگ است که افراد موجه جامعه مرتکب نمی شوند. انصاف است که چنین چیزی را به رسول خدا (ص) نسبت دهیم.
- ۳- دیدگاه اول مخالفت دارد با سنت قطعی پیامبر (ص)، در روایتی از آن حضرت داریم که می فرمایند: (بعد از خودم، از سه چیز بر اتمم می ترسم، گمراهی بعد از معرفت، فتنه های گمراه کننده، و شهوت شکم و شهوت جنسی (کلینی، ۷۹/۲). از رسول اکرم (ص) که عالی ترین درجات عفت را رعایت می کرد، بعید است که سریع دلباخته زنی شود.
- ۴- زینب دختر عمه رسول خدا (ص) بود و خودش او را برای زید انتخاب کرد، آیا نمی توانست که همان موقع با زینب ازدواج کند؟ (ابن عبدالبر، ۱۸۴۹/۴)، به دلیل خویشاوندی آن حضرت، در طول عمرش زینب را دیده بود و به زیبایی او آگاهی داشت. چگونه یک دفعه عاشق و دلباخته او می شود و در احادیث الفاظی مانند (آها، اعجبت به) می آورند؟ (عاملی، ۱۰۲/۱۴)
- ۵- خود آیه ۳۷ احزاب، اشاره دارد که پیامبر (ص) به زید گفت، همسرت را حفظ کن. چگونه آن حضرت دلباخته زینب و علاقه مند به جدایی او از زید است و چنین سخنی را بر زبان می آورد؟ (عاملی، ۹۶/۱۴)
- ۶- چه کسی از عشق مخفی پیامبر (ص) به زینب آگاه بوده که آشکار شده باشد؟ آن چه خداوند آشکار کرده ازدواج پیامبر (ص) با زینب بوده و روایت دوم با ظاهر آیه مطابقت بیشتر دارد. (عاملی، ۹۹/۱۴)
- ۷- هنگامی که پیامبر (ص) جوان تر بود به فکر ازدواج با دختر عمه خود، زینب نیفتاد.

در حالی که انسان در پیری کمتر به این مسائل فکر می‌کند. (عاملی، ۱۴/۱۰۳)

- ۸- پیامبر(ص) همیشه امر به تقوی می‌کردند چطور می‌شود چنین عملی را به آن حضرت نسبت داد، که ایشان عاشق همسر، مرد دیگری شود. (عاملی، ۱۴/۱۰۰)
- ۹- این که در برخی روایات آمده است که خداوند کراهتی بین زید و زینب به وجود آورد، مخالف با موازین شیعه است، ما چیزی به عنوان جبر مطلق نداریم. این که خداوند(ص) آتش را بر حضرت ابراهیم(ع) سرد کرد و تار عنکبوت در جلوی غار تنیده شد، برای حفظ جان پیامبران الهی است. این موضوع با ازدواج پیامبر(ص) با زینب هیچ سنخیتی ندارد. (عاملی، ۱۴/۱۰۵)

۱۰- در روایات نوع اول تعارض متن شدید است.

- الف: آیا زینب با زید باهم نزد رسول خدا(ص) رفتند، پیامبر(ص) به دیدارشان رفت و یا این که پیامبر(ص) در غیاب زید به خانه‌اش رفت. ب: آیا هنگام شکایت زید از زینب پیامبر(ص) عاشق زینب شد، یا موقع حمام زینب و یا وقتی زینب در خانه بود و عجله کرد. (عاملی، ۱۴/۱۰۴)

- ۱۱- برخی معتقدند این اتفاق قبل از نزول آیه حجاب بوده و هیچ خدشه‌ای به شخصیت رسول خدا(ص) وارد نمی‌کند. در جواب باید گفت که آن حضرت همیشه به حفظ اخلاق تأکید داشتند و بیان می‌داشتند: (انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق) و این یک اصل اخلاقی است که بدون اجازه وارد خانه کسی نشوند (عاملی، ۱۴/۱۰۸-۱۱۰)

- ۱۲- طبق این نکات گفته شده روایات دیدگاه اول را نمی‌توان پذیرفت. اما روایت دیدگاه دوم قابل پذیرش و مطابق با آیات قرآن، سنت قطعی رسول خدا (ص)، عقل و تاریخ است.

- ۱۳- از آیه قرآن و روایت شأن نزول صحیح می‌توان پی برد که آنچه رسول گرامی اسلام(ص) در دل خود مخفی کرده بود ازدواج با زینب است. ایشان می‌دانستند برای برداشتن حکم جاهلی، که پسرخوانده را مانند پسر حقیقی خود می‌دانستند، مجبور است با زینب ازدواج کند. (عاملی، ۱۴/۹۵-۹۶)

۶- مقایسه سیاق سوره تحریم و آیات ۶ تا ۳۷ سوره احزاب

سوره مبارکه احزاب همانطور که گفتیم ابتدا پیرامون جنگ خندق و اقسام گروه مسلمانان سخن می‌گوید. مردم مدینه را به شش گروه مؤمنان، بهانه‌جویان، معوقین (بازدارندگان)، فی قلوبهم مرض (بیماردلان)، مرجفون (شایعه‌سازان) و منافقان تقسیم بندی می‌کند. پس از آن در آیات ۲۷ تا ۳۵ ابتدا همسران پیامبر(ص) را در صورت انتخاب دنیا و عدم اطاعت از خداوند و رسولش تهدید به طلاق کرده است. سپس جایگاه آن‌ها را به دلیل قرابت با آن حضرت خاص دانسته. برای آنان در صورت ابتلا به گناه آشکار، عذاب مضاعف و در صورت تقوا پیشه کردن، پاداشی دو برابر قرار داده است. سپس به همسران پیامبر(ص) هشدار می‌دهد که حضور آن‌ها در جامعه و سخنانشان طوری نباشد که بیماردلان، از آن‌ها علیه رسول خدا(ص) سوءاستفاده کنند. آنان را به حفظ آیات الهی و اطاعت از خدا و رسول‌گرامی اسلام(ص) ملزم می‌کند. بعد با بیان این‌که آنچه رسول خدا(ص) می‌گوید حکم خداوند می‌باشد و قطعاً برای مسلمانان به‌تراست، آن‌ها را آماده برای پذیرش ابطال قانون جاهلیت، که احکام پسرخوانده را مانند پسر خود می‌دانستند، می‌کند. در آیه بعد رازی در دل رسول خدا(ص) مخفی بوده و آن راز این است که آن حضرت مجبور است برای ابطال این حکم جاهلی با همسر پسرخوانده‌اش، (زینب) ازدواج کند. همان‌طور که این مطلب را سیاق آیه و روایت صحیحہ اثبات می‌کند. این موضوع نیز می‌تواند جامعه اسلامی و همچنین همسران رسول خدا(ص) را در یک امتحان قرار دهد. سوره‌ی تحریم ادامه آن اتفاقی که خداوند در سوره احزاب به همسران پیامبر(ص) و جامعه اسلامی هشدار داده بود که دچار گناه و فتنه نشوند، الآن اتفاق افتاده و مورد عتاب شدید قرار می‌گیرند. ماجرای رازی را می‌گوید که پیامبر(ص) در گذشته، ابتدا به یکی از همسرانش در میان گذاشته. او به یکی دیگر از زنان رسول خدا(ص) می‌گوید و این مقدمه‌ای برای یک توطئه علیه آن حضرت می‌شود. به طوری که حتی جامعه اسلامی نیز مبتلا به آن شده و خداوند راه توبه را در صورت توبه حقیقی برای آن‌ها

باز می‌گذارد. خداوند پیامبر(ص) را از توطئه آن دو زن باخبر کرده. آن‌ها نبی گرامی اسلام(ص) را تهدید به ادامه توطئه کرده به شرط این که پیامبر(ص) قسم بخورد که آن‌ها را طلاق نمی‌دهد. خداوند راه شکستن قسم را به پیامبر(ص) نشان می‌دهد و به آن دو زن می‌گوید اگر توبه نکنند خدا و جبرئیل و صالح‌المؤمنین و لشکر ملائکه یاور رسول خدا(ص) است. سپس به جامعه اسلامی نیز هشدار می‌دهد و می‌گوید توبه حقیقی کنند. بعد مثال زنان حضرت لوط(ع) و نوح(ع) می‌زند. آن زنان کسانی بودند که برای دشمن خبرچینی می‌کردند. باید چند نکته پیرامون آن راز مورد توجه قرار بگیرد.

۱- اگر آن راز چیزی بود که هیچ‌وقت نباید آشکار می‌شد، این شیوه عقلاست که به کسی نمی‌گویند. پیامبر(ص) که امین وحی الهی و بالاترین عقل و درک را دارند چطور آن راز را بر زبان می‌آورند. پس آن سرّ، تا زمانی که آن حضرت بر زبان نیاوردند برای ایشان راز بوده و وقتی با همسرش در میان می‌گذارد، حتما آشکار شدنش بلامانع است. حتی آیه قرآن کریم آن دو همسر پیامبر(ص) را به دلیل اقدام علیه آن حضرت عتاب می‌کند نه افشای راز. «إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَ جِبْرِيلُ وَ صَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ» (التحریم / ۴)

۲- آن مطلب باید طوری باشد که آن حضرت ابتدا به همسران خود در میان بگذارد.

۳- از آن جایی که ابتدا همسران پیامبر(ص) را درگیر کرده پس باید طوری باشد که حسادت زنانه را برانگیزد که دست به چنین اقداماتی بزنند.

۴- علاوه بر زنان پیامبر(ص) باید طوری باشد که جامعه اسلامی را هم درگیر کند.

۵- ابتدا افشای راز اتفاق می‌افتد بعد تحریم حلال، که قبلاً توضیح دادیم که آن حلال طلاق دادن همسران بوده‌است.

در سوره احزاب زنان پیامبر(ص) تهدید به طلاق می‌شوند، و در سوره تحریم این تهدید شدیدتر است. در سوره احزاب زنان پیامبر(ص) و جامعه اسلامی را به اطاعت از پیامبر(ص) دعوت می‌کند و هشدار می‌دهد، اما در سوره تحریم بخاطره عمل نکردن به آن

هشدارها مورد عتاب شدید قرار می‌گیرند. در سوره احزاب پیامبر(ص) سرّی را در قلب خود مخفی کرده بود و آن آگاهی ایشان به این مطلب که زینب یک روز همسرشان خواهد شد. این اتفاق هم همسران پیامبر(ص) و هم جامعه را مورد امتحان و شک و تردید نسبت به رسول خدا(ص) قرار می‌دهد. در سوره تحریم از رازی می‌گوید که قبلاً پیامبر(ص) به همسرش گفته و بقیه زنان ایشان و جامعه تحت تأثیر آن دچار شک و تردید نسبت به آن حضرت کرده و باید توبه کنند. علامه سید جعفر مرتضی عاملی این دو آیه را مثل هم دانسته و می‌گوید هر دو سخن از رازی می‌گویند که خداوند آشکارش کرده است. (عاملی، ۹۷/۱۴). در سوره احزاب با واژه «تُخْفَى فِي نَفْسِكَ» و در سوره تحریم با بیان «أَسْرَ» از آن راز نام برده است. نزدیک بودن سیاق آیات سوره احزاب و تحریم ما را به این نکته پیرامون شأن نزول سوره تحریم سوق می‌دهد که باید این دو سوره نزدیک به هم نازل شده باشد. ازدواج پیامبر(ص) با زینب بنت جحش می‌تواند آن رازی باشد که در سوره تحریم منظور است. حال باید ببینیم که تاریخ نیز این سخن ما را تأیید می‌کند یا نه.

۷- شواهد تاریخی

آنچه در کتاب‌های تاریخ آمده است این است که جنگ احزاب و ازدواج پیامبر(ص) با زینب بنت جحش در اواخر نیمه دوم سال پنجم هجرت رخ داده است. طبری، ابن خلدون، ابن اثیر جنگ خندق را در شوال سال پنجم می‌دانند. (ابن خلدون، ۴۴۰/۲؛ ابن اثیر، الکامل، ۱۷۸/۲؛ طبری، تاریخ الامم والملوک، ۵۶۴/۲) واقدی، ابن جوزی و ابن سعد جنگ خندق را در ذی القعدة سال پنجم هجرت می‌دانند. (واقدی، ۴۴۰/۲؛ ابن جوزی، ۲۲۷/۳؛ ابن سعد، ۵۰/۲). اما در مورد ازدواج زینب با رسول خدا(ص) تاریخ سال پنجم هجرت بیان شده است. (ابن عبدالبر، ۱۸۴۹/۴) طبری نیز قبل از شرح وقایع جنگ خندق، ازدواج پیامبر(ص) با زینب را آورده و گفته که در سال پنجم هجرت رخ داده است. (طبری، تاریخ الامم و الملوک، ۵۶۲/۲) ابن جوزی نیز ازدواج پیامبر(ص) با زینب را در ذی القعدة سال پنجم ذکر کرده است. (ابن جوزی، ۲۷۵/۳). طبق بررسی کتاب‌های تاریخی

به این پی می‌بریم که ازدواج پیامبر(ص) با زینب و واقعه جنگ خندق بسیار نزدیک به یکدیگر بوده است. منافقان و اشخاص بیمار دل که در هنگامه جنگ خندق شک و تردید در دل مسلمانان ایجاد کرده و می‌گفتند: محمد زنان پسر را حرام کرده و خود با همسر پسرش ازدواج کرده است. (ابن‌عبدالبر، ۱۸۵۰/۴). این مسأله می‌توانست به دلیل وحی بودن و زیبایی خاص زینب، حسادت برخی همسران پیامبر(ص) را برانگیزد. علامه سیدجعفر مرتضی عاملی در سیره خود بخشی را آورده است به عنوان (زیبایی زینب از نظر عایشه) (عاملی، ۷۵/۱۴). طبری در تاریخ خود از عایشه چنین نقل می‌کند که: (یک روز که پیامبر(ص) با عایشه سخن می‌کرد پیامبر(ص) را حالت وحی گرفت و چون به خود آمد، خندان بود و می‌گفت: چه کسی پیش زینب می‌رود و بگوید که خدا او را به همسری من داده است. سپس این آیه را تلاوت کردند: «وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ» (الاحزاب/۳۷) و پشت سر آن از عایشه نقل می‌کند که من آشفته خاطر شده بودم و از زیبایی او چیزهایی شنیده بودم، از همه بالاتر او را خدا به همسری پیامبر داده بود و گفتم که او به این مطلب فخرفروشی خواهد کرد. (طبری، تاریخ الامم و الملوك، ۵۶۳/۲). زینب به زنان دیگر رسول خدا(ص) فخر می‌کرد که شما را پدرانتان به همسری پیامبر(ص) درآوردند، اما مرا خدا به ازدواج آن حضرت درآورد. (ابن‌عبدالبر، ۱۸۵۰/۴). این خود نشان دهنده این است که ابتدا پیامبر(ص) به عایشه گفتند و او از همان ابتدا اظهار حسادت نسبت به زینب کرد. ما در حدیث ابن‌عباس آوردیم که عمر از عایشه و حفصه به عنوان آن دو زنی که علیه پیامبر(ص) اقدام کرده‌اند نام برد. متأسفانه ازدواج زینب با پیامبر(ص) ابتدا برخی از همسران ایشان و سپس جامعه اسلامی را تحت تأثیر قرار داد.

نتایج مقاله

۱- شأن نزول های وارد شده پیرامون سوره تحریم برخی دارای اشکال سندی بوده. آن‌هایی که حتی دارای سندی قوی می‌باشد با سیاق آیات، عقل و سنت قطعی رسول

خدا(ص) مطابقت ندارد. بنابراین ضعیف و غیر قابل استناد می‌باشند.

۲- خطوط کلی آیات سوره تحریم روشن می‌کند که رازی را پیامبر(ص) با همسرش در میان می‌گذارد، همین مقدمه توطئه‌ای می‌شود که ابتدا برخی از همسران پیامبر(ص) و سپس کل جامعه اسلامی را تحت تأثیر قرار داده باشد.

۳- مقایسه سیاق آیات سوره تحریم و سوره احزاب حاکی از آن است که سوره تحریم در ادامه سوره احزاب و در طی یک واقعه مشترک نازل شده‌است.

۴- در سوره احزاب به همسران پیامبر(ص) و جامعه اسلامی هشدار می‌دهد، اما در سوره تحریم به دلیل توجه نکردن به آن هشدارها توبیخ می‌کند. در هردو سوره نیز سخن از رازی می‌گوید که خداوند آن را آشکار کرده‌است.

۵- با بررسی تاریخی حوادث سال نزول سوره احزاب، تنها واقعه‌ای که می‌تواند هماهنگ با سیاق آیات سوره تحریم باشد، ازدواج پیامبر(ص) با زینب بنت جحش است.

۶- آن رازی که در سوره تحریم آمده‌است که پیامبر(ص) با برخی از همسرانش در میان گذاشت، ازدواج با زینب بوده‌است.

۷- این واقعه می‌توانست به دلیل برهم زدن قانون جاهلی برابر دانستن احکام پسرخوانده با پسر صلبی جامعه را تحت تأثیر قرار دهد. همچنین منافقان بتوانند نسبت به رسالت رسول گرامی اسلام شک و تردید ایجاد کنند. به دلیل وحی بودن امر به این ازدواج و زیبایی خاصی که زینب داشت، می‌توانست حسادت برخی همسران پیامبر(ص) را برانگیزد.

کتابشناسی

۱. قرآن کریم.
۲. آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.
۳. ابن اثیر، عزالدین بن اثیر، اسد الغابة فی معرفة الصحابة، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹ق/ ۱۹۸۹م.
۴. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، المنتظم فی التاریخ الأمم و الملوک، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۲ق/ ۱۹۹۲م.
۵. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، تاریخ ابن خلدون، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۸ق / ۱۹۸۸م.
۶. ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الکبری، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۴ق / ۱۹۹۰م.
۷. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، قم، نشر علامه، ۱۳۷۹ق.
۸. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، بیروت، دارالجلیل، ۱۴۱۲ق / ۱۹۹۲م.
۹. ابن عربی، محمد بن عبدالله، احکام القرآن، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۴ق / ۲۰۰۳م.
۱۰. ایزدی، مهدی؛ فقهی زاده، عبدالهادی؛ جینی فروشان، طاهره، نقش آیات تعلیل در سوره احزاب، فصلنامه مطالعات قرآن و حدیث، سال یازدهم، شماره اول، شماره دوم، بهار و تابستان ۱۳۹۷.
۱۱. بابایی، علی اکبر، استقلال نزول آیه تطهیر و تأثیر آن در ظهور و فهم معنای آیه، فصلنامه اندیشه نوین دینی، سال ۸، شماره ۲۸، بهار ۱۳۹۱.
۱۲. بخاری، محمد بن اسماعیل جعفی، صحیح البخاری، دمشق، دارطوق النجاة، ۱۴۲۲ق.
۱۳. بختیاری، شهلا؛ تقوی، هدیه؛ سنخ شناسی و تبیین رفتاری مسلمانان در همراهی با پیامبر (ص) در غزوه خندق براساس سوره احزاب، فصلنامه تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء، سال بیست و سوم، شماره ۱۷، بهار ۱۳۹۲.
۱۴. برزگر، محمد؛ فقهی زاده، عبدالهادی؛ جعل و تحریف در اخبار سبب نزول سوره تحریم، فصلنامه حدیث پژوهی، سال نهم، شماره هفدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۶.
۱۵. بلاغی، عبدالحجت، حجت التفسیر و بلاغ الاکسیر، قم، چاپ حکمت، ۱۳۸۶ش.
۱۶. حکم آبادی، حجت الله؛ رئیسین، غلامرضا؛ اسماعیلی زاده، عباس؛ ابهام زدایی از آیه ۳۷ سوره احزاب با تکیه بر نقد سندی و محتوایی روایات، فصلنامه علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء، سال شانزدهم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۸.
۱۷. دارقطنی، السنن دراقطنی، بیروت، الرسالة، ۱۴۲۴ق/ ۲۰۰۴م.
۱۸. ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، تاریخ الاسلام و وفیات المشیر والاعلام، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۱۳ق/ ۱۹۹۳م.
۱۹. همو، سیر اعلام النبلاء، بیروت، مؤسسه الرسالة، ۱۴۰۵ق/ ۱۹۸۵م.
۲۰. زمخشری، ابوالقاسم محمود بن عمرو، الکشاف عن حقایق الغوامض التنزیل، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
۲۱. سلمان زاده، جواد؛ خامه گر، محمد، نقد و ارزیابی روایات شأن نزول سوره تحریم، فصلنامه پژوهش های قرآنی، سال نوزدهم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۲.
۲۲. سمعانی، عبدالکریم بن محمد، الانساب، هند، حیدرآباد، دائرة المعارف العثمانیة، ۱۳۸۲ق / ۱۹۶۲م.
۲۳. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، الدر المنثور فی تفسیر بالمأثور، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۲۴. همو، لباب النقول فی اسباب النزول، بیروت، دارالکتب العلمیة، بی تا.
۲۵. طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
۲۶. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۱۲ق.

۲۷. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق.
۲۸. همو، تاریخ الامم والملوک، بیروت، دارالتراث، ۱۳۸۷ق، ۱۹۶۷م.
۲۹. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، تهران، مؤسسه علمی دارالحديث، ۱۴۲۶ق/۱۳۸۵ش.
۳۰. عسقلانی، احمد بن علی، تهذیب التهذیب، هند، دارالمعرفه نظامیه، ۱۳۲۶ش.
۳۱. عسکری، سید مرتضی، نقش عایشه در احادیث اسلام، مترجم: محمد جواد کرمی، تهران، دانشکده اصول الدین، ۱۳۷۸ش.
۳۲. قمی، علی بن ابراهیم، قم، دارالکتاب، ۱۳۶۳ش.
۳۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامی، ۱۴۰۷ق.
۳۴. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
۳۵. مزّی، یوسف بن عبدالرحمن، تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۰ق/ ۱۹۸۰م.
۳۶. مفید، محمد بن نعمان، المسائل العکبریّه، تحقیق علی اکبر الهی خراسانی، بیروت، دارالمفید، ۱۴۱۴ق.
۳۷. همو، الجمل، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۳۸. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ش.
۳۹. میر باقری، سید محسن، ظاهر قرآن باطن قرآن، تهران، نشر عمد، ۱۳۹۰ش.
۴۰. نفیسی، شادی، علامه طباطبائی و حدیث، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴ش.
۴۱. نووی، محیی الدین یحیی بن شریف، شرح النووی علی المسلم، بیروت، داراحیاء التراث، ۱۳۹۲ق.
۴۲. واحدی، اسباب النزول القرآن، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ق.
۴۳. واقدی، محمد بن عمر، المغازی، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۰۹ق/ ۱۹۸۹.

